

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف

۲۹ می ۲۰۲۱

ما در نسل کشی دست داشتیم خب که چی؟

امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه که پس از بر عهده گرفتن مسئولیت کشورش در نسل کشی ۱۹۹۴ رواندا، به منظور گشودن برگ تازه‌ای در روابط پاریس-کیگالی، امروز برای دومین بار به این کشور سفر کرده است، در کنفرانس خبری مشترک با پل کاگامه، رئیس جمهور رواندا گفت: بودن من در اینجا هم افتخار است و هم به معنای بر عهده گرفتن مسئولیت فرانسه در نسل کشی رواندا. از دعوت و استقبال شما سپاسگزاری می‌کنم. این سفر که اهمیت بسیاری دارد، اقدامی نمادین و تاریخی است؛ چرا که دومین سفر یک رئیس جمهوری فرانسوی به رواندا از زمان نسل کشی ۱۹۹۴ به شمار می‌رود. روحیه مشترک ما برای همکاری از سال ۲۰۱۷ رقم خورد که تصمیم گرفتیم راه مشترک همکاری، مذاکره و برطرف کردن موانع و مشکلات را در پیش گیریم. از بهار ۲۰۱۸ تصمیم گرفتیم تا روابط میان فرانسه و رواندا بار دیگر گرم شود، به آینده نگاه کنیم و نسل آینده را بسازیم. ما مراحل زیادی را پشت سر گذاشته ایم که با راستی آزمایی میسر شد.

رئیس جمهور فرانسه ادامه داد: آنچه انجام دادیم این بود که به ویژه پس از انتشار گزارش ونسان دوکلر (Duclert) تاریخ نگار و استاد فرانسوی که در نتایج پژوهش عمیق و تحقیقات خود روشن کرد پاریس در حوادثی که به نسل کشی سال ۱۹۹۴ در رواندا منجر شد، نقش داشته است، اعتماد کردیم. من از این کار تحقیقاتی چشمگیر، مستقل و شفاف قدردانی می‌کنم. رواندا نیز در کنار این کار تحقیقاتی حضور داشت و به پیشرفت امروز ما برای سهیم شدن در تاریخی مشترک و گشودن برگ جدیدی از روابط میان دو کشور کمک کرد. ساعتی پیش همه آنچه را که در مورد مسئولیت فرانسه در نسل کشی رواندا لازم بود، در سخنرانی ام در بنای یادبود قربانیان گفتم. شاید دیگر در این باره حرفی نزنم؛ چرا که این مرحله را پشت سر خواهیم گذاشت. لازم است به جای آن که تلاش کنیم از شر گذشته خلاص شویم، حقایق را بگوئیم.

در اینجا نیز ما از یادآوری فهرست جامع جنایاتی که در چهارچوب «فرانسه و آفریقا (6) (Françafrique)» به وقوع پیوست خود داری می‌کنیم، و خواننده کنجکاو را به کتاب فرانسوا اگزاویه ورشو (François-Xavier Verschave) و انتشارات [association Survie](http://www.association-survie.org) مراجعه می‌دهیم که بیش از ۳۰ سال است که بی وقفه منافع فرانسه در آفریقا را افشاء می‌کنند: از جمله ماجرای Elf (شرکت نفتی در بطن شرکت توتال)، کشتار جمعی توتسی‌ها در رواندا در سال ۱۹۹۴، مداخله نظامی در ساحل عاج، مالی و در آفریقای مرکزی، فعالیتهای شرکت‌های چند ملیتی فرانسوی و امثال اینها. سیاست نو استعماری روی شبکه‌های نفوذی از نوع مافیائی متشکل از گروه‌های صنعتی،

سیاسی و نظامی تکیه دارد و منافع دولت فرانسه نیز به شکل خطرناکی با منافع شرکتهای فرانسوی در بخش خصوصی درهم آمیخته است (توتال، آروا، ونسی، بولوره، کاستل...) و در خدمت سیاستی به سر می برد که هیچ چیزی را به هیچ کسی هدیه نمی دهد. ژان لوئی کاستلنو (Jean-Louis Castelnau)، رئیس هیأت نمایندگی در شورای فرانسه برای سرمایه گذاران در منطقه آفریقا این موضوع را انکار نکرده و بروشنی می گوید: «آیا باید در آفریقا سرمایه گذاری کنیم؟ البته! ما انجمن خیریه نیستیم. اگر نفعی در آفریقا نمی داشتیم به آنجا نمی رفتیم. علاوه بر این، شرکتهای بزرگی در این قاره حضور دارند (۷)».

انجمن سوروی ([association Survie](#)) یادآور می شود که «غارت مواد اولیه در آفریقا و بازرگانی محصولات تولید شده در مرکز فرآیند استعماری بود (۸)». غارت منابع آفریقا (نفت، گاز، طلا، نقره، الماس، مس، کلتان، اورانیوم، پلاتین، منگنز، کاکائو، قهوه، کائوچو، پنبه، روغن نخل...) چیزی به جز تداوم سیاست خارجی فرانسه در قرن نوزدهم نیست که عبارت است از صدور سرمایه به مستعمرات نوین. این موضوع را ژول فری Jules Ferry رئیس شورا در سال ۱۸۸۵ (سالی که کنفرانس برلین برگزار شد) توضیح داده است: «برای کشورهای ثروتمند، سرمایه گذاری در مستعمرات مزیت‌های فوق العاده ای دارد (...). سیاست استعماری فرزند سیاست صنعتی ست. اروپا می تواند به مثابه اتاق بازرگانی تأویل شود که درآمدهایش در حال کاهش به سر می برد، زیرا وضعیت مصرف در اروپا به مرحله اشباع رسیده است (۹)».

[نگاه کنید به این مقاله:](#)

<http://www.afgazad.com/Siaasy-2016/090216-T-HM-France-Poshtibaan-Terrorism-9.pdf>